

بهارِ تا برگریزان

دفتر اول شعر

غلام حسین جمعی

با مقدمه‌یی به قلم:
پروفسور سیدحسن امین

تهران
انتشارات دایرةالمعارف ایران شناسی
۱۳۸۹

سرشناسه: جمعی، غلامحسین، ۱۳۳۰-

عنوان کتاب: بهار تا برگریزان (دفتر اول شعر غلامحسین جمعی با مقدمه‌یی به قلم
پروفسور سید حسن امین)

مشخصات نشر: تهران: دایرةالمعارف ایران شناسی، ۱۳۸۹

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ صفحه، عکس

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۰۴-۰۸-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: ص. ع. به انگلیسی

Gholamhossein Jamei. From Spring to Fall: The first volume of the poetry

موضوع: شعر فارسی - قرن چهارده

شناسنامه‌ی افزوده: امین، حسن، ۱۳۲۷، مقدمه نویس

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ب ۹ ۶۵ م / PIR ۸۰۱۱

رده بندی دیویی: ۶۲ / ۱ فا ۸

شماره کتاب شناسی ملی: ۱۸۶۳۵۶۷



ENCYCLOPAEDIA OF IRAN

انتشارات دایرةالمعارف ایران شناسی

مدیر تولید: آرش اسدزاده

طراح روی جلد: ندا شعبی

تهران - خیابان انقلاب - اول فلسطین شمالی - پلاک ۳۱۲ (ساختمان مهر)

کدپستی ۱۴۱۶۸۱۴۵۷۴

تلفن ۶۶۹۶۸۴۸۸ : دورنگار (فاکس) ۶۶۹۶۸۴۸۷

پست الکترونیک: hafizmonthly@hotmail.com

بهار تا برگریزان

غلام حسین جمعی

ناشر: انتشارات دایرةالمعارف ایران شناسی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۰۴-۰۸-۷

تیراژ: ۲۵۰۰

لیتوگرافی: راد چاپ: ندای ایران صحافی: نفیس

تاریخ و نوبت چاپ: ۱۳۸۹ - اول

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

مرکز نشر: انتشارات دایرةالمعارف ایران شناسی

تهران- خیابان انقلاب - خیابان فلسطین شمالی - پلاک ۳۱۲

(ساختمان مهر)

کدپستی: ۱۴۱۶۸۱۴۵۷۴

تلفن: ۶۶۹۶۸۴۸۸ دورنگار (فاکس): ۶۶۹۶۸۴۸۷

پست الکترونیک: hafizmonthly@hotmail.com

تقدیم به همسرم: آرزو بزمجو
تنها سنگِ صبورِ زندگی‌م که غزل غزل،
عاشقانه‌ترین سرود عشق را در گوشم، به نجوا نشست
تا این سان، به ترانه خوانی هستی برخیزم.

بعد از خدا، تا آرزو باشد کنارم
جایی، برای آرزوهایم ندارم
تا هست و مستم می‌کند از باده عشق
چون عاشقان، باشم سرِ قول و قرارم
غ.ج.

فهرست

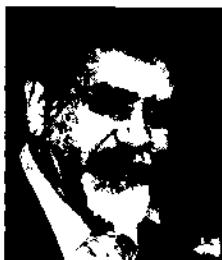
عنوان	صفحه
مقدمه و تقریظ به قلم پروفیسور سید حسن امین	۱۱
زیست‌نامه‌ی شاعر (به قلم شاعر)	۱۵
پیش‌گفتار شاعر	۱۷
شعر چیست؟ شاعر کیست؟	۱۹
اقرار	۲۷
زندگی‌نامه	۲۸
راز برگ	۳۳
مادر	۳۵
خیر مقدم به بهار	۳۸
زمین تنهاترین تنها	۴۰
برگریزان	۴۲
تو دیگر داریوشی	۴۴
پیام	۴۷
آرزویی برای بهار	۵۰
چند دو بیتی	۵۲
هشدار	۵۴
بهاریه	۵۶
بیدار شو! پرواز کن!	۵۹
مرغ عشق	۶۱
رباعی	۶۳
دل خوش سیری چند	۶۵
پیرانه سر و شور جوانی	۶۸

۱۲۴	غروب
۱۲۶	امید و انتظار
۱۲۸	دل پر بیم و امید
۱۳۰	گفتند صبوری کن
۱۳۲	صدایم کن
۱۳۳	این چنین است بهار
۱۳۶	خودکار
۱۳۸	خواب دیده ام
۱۳۹	واگویه ها
۱۴۴	شیرین بیان را دم کنید
۱۴۶	زمستانه
۱۴۹	واژه ای چون ماهی
۱۵۰	با توام
۱۵۲	چند طرح
۱۵۷	ای باغبان شعر!
۱۵۸	لختی درنگ
۱۵۹	برداشتی دیگر
۱۶۱	چرت ابدی
۱۶۲	جای شاعر اینجاست
۱۶۵	کولاک بهمن
۱۶۷	زمزمه ها

۷۱	تا سحر
۷۲	گنبد و منق
۷۵	وی رفت و
۷۷	تنگ تنگ
۸۰	مشی همیشه
۸۱	عشقی و لب لعل
۸۲	منظومه عاشقانه
۸۶	شعر
۸۸	نه وقت پیردیز
۹۰	پخوانی می خاک پشته
۹۳	پهلوان
۹۹	بروز بزی و پرویز
۱۰۲	چرا چنین؟
۱۰۵	جنگ گنبد و نو
۱۰۷	ریحی
۱۱۱	در خانه
۱۱۳	فان و فیل
۱۱۵	یکسر بی
۱۱۷	نوالی دیگر
۱۱۹	بیا بیا
۱۲۰	نغمه دستگیر
۱۲۲	تنگرایی

۲۱۱۲	و کوبیده های بهتری
۲۱۱۴	خفاخفه
۲۱۲۴	و تیره های کبر کرافت
۲۱۲۵	پیشینه
۲۱۲۶	شاید
۲۱۲۷	قصه شب
۲۱۲۹	خسب ب بوی خوراک
۲۱۳۰	بیر چشمی
۲۱۳۱	دست های تنگ
۲۱۳۲	شمار زنده گی
۲۱۳۴	خویش
۲۱۳۶	نقش
۲۱۳۹	نقش درخت
۲۱۴۰	براف نخست
۲۱۴۲	دستور آن بهانه هستی
۲۱۴۴	خسب های
۲۱۴۶	نقش گل
۲۱۴۸	کالی آنری
۲۱۴۹	حسن خدمت
۲۱۵۱	نقش
۲۱۵۶	نقش نکستی

۱۶۹	تغزل
۱۷۱	بشارت
۱۷۳	رخصت
۱۷۶	خنده معنی دار
۱۷۸	یخ کرده ام
۱۸۰	عبور
۱۸۲	خبر
۱۸۳	فکری زلال
۱۸۵	عاشقانه
۱۸۸	زنگ شبانه
۱۹۱	اعتراف
۱۹۳	بهار همیشگی
۱۹۶	واژه های دلنگ است
۱۹۸	چرا سبب؟
۲۰۱	شاید این لحظه، لحظه آخر ...
۲۰۳	رباعی
۲۰۸	تضمین حکایت
۲۱۰	بی شک
۲۱۱	باور کن
۲۱۳	غزلخوان
۲۱۵	شرار آذر



مقدمه و تقریظ

به قلم: پروفیسور سیدحسین امین

حقوقدان، ایران شناس، شاعر

قاضی اسبق دادگستری و سردبیر ماهنامه‌ی حافظ

استاد پیشین کرسی حقوق دانشگاه گلاسگو کالدینونیا، انگلستان

مجموعه‌ی شعر ارزنده‌یی که با عنوان «بهار تا برگریزان» در دست دارید، اثر طبع شاعر شیرین سخن و صاحب ذوق معاصر ما، آقای مهندس غلامحسین جمعی است. این بزرگوار، همان طور که از مقدمه‌ی منشور و منظومش بر این کتاب، پیداست، شاعری باذوق و صاحب اندیشه است. پیشگفتار خود او و نیز اشعارش چه در قالب سنتی و چه قالب نو بهترین معرف اویند:

در خلوص من ات ار هست شکی، تجربه کن

کس عیار زر خالص نشناسد چو محک

هم‌چنان که غلامحسین جمعی، خود - البته به سبک ویژه‌ی شیرین خویش در قالب طنز - در صفحه‌ی ۱۹ به بعد تحت عنوان «شعر چیست و شاعر کیست؟» نوشته است، شعر قابل تعریف جامع و مانعی نیست. وقتی بپذیریم که اولاً، شعر یکی از انواع هفت‌گانه‌ی هنر است و ثانیاً، جان‌مایه‌ی هنر زیبایی است و ثالثاً، زیبایی هم به خلاف محاسبات ریاضی دودوتا = چهارتا، مقول به تشکیک و منوط به اعتباریت زمانی و مکانی‌ست، آن وقت به حکم عقل ناگزیریم که همه‌ی انواع سخن مخیل‌آهنگین را به اعتبار ذائقه‌ی ادبی ملت‌ها و قومیت‌های متفاوت، در زبان‌ها و گویش‌های مختلف، بین نسل‌ها و طبقات

متعدد، از مقوله‌ی شعر بدانیم و همه را با نوسانات و فواصل و اختلافات بسیاری که نسبت به هم دارند، داخل حیطه‌ی واسع هنر بشناسیم.

اگر گوش ما به زبانی عادت کرده و یا ذائقه‌ی ما از کودکی غذایی را خوشمزه چشیده است؛ دآوری شخصی، گروهی، محلی، طبقاتی، قومی، ملی ما اعتباریت جهانی ندارد. غذای هندی‌ها برای ما به قدری تند است که قابل خوردن نیست اما اگر غذاهای ما را هم به هندی‌ها بدهند، در ذائقه‌ی آنها بی‌مزه است. شعر قآانی در عصر خودش خریدار بسیار داشت و او را از این باب جوایز و صلات فراوان می‌رسید. امروز اما آن‌گونه مدایح در ستایش استبداد مطلقه، خریداری ندارد و اگر هم صله‌یی به شعر مدحیه تعلق گیرد، گویندگان آن‌ها در جامعه‌ی امروز اعتبار و حرمتی ندارند. نیز مضامین شعر قآانی - از جمله بعضی عاشقانه‌های او - اکنون مشمئزکننده به نظر می‌رسند.

تغییر سلایق و علایق، حتی در جامعه‌ی واحد در طول چند نسل، موجب تغییر دآوری در نیک و بد شاعرانگی‌ست؛ چه رسد در طول و عرض تاریخ و جغرافیای بشری. چندین سال پیش از انقلاب ۱۳۵۷ چند تن از مشاهیر شعر و ادب، در مخالفت با شعر نو، تا آن‌جا پیش رفتند که پیشنهاد کردند که نوپردازان را باید به تیمارستان برند یا زندانی کنند. من در پاسخ آن سنت‌گرایان در همان زمان، ضمن دفاع از آزادی بیان، نوشتم که اگر شاعران سنت‌گرا، معانی اشعار نو را در نمی‌یابند، معذورند. همه چیز را همگان دانند. (مجله‌ی وحید، ش ۲۳۸ و ۲۳۹، اسفند ۲۵۳۶، صص ۷۲-۷۳)

باری، دعوی بر سر شعر کهنه و نو، یا عمودی و افقی، یا اصیل و دخیل نارواست. کثرت‌گرایی و چندصدایی بودن جامعه و اختلاف ذائقه‌های ادبی و هنری، قابل انکار نیست. هم باید پذیرفت که درخت تنومند شعر معاصر، دو

شاخه‌ی پربار دارد که یکی تداوم شعر کلاسیک پارسی است و دیگری سبک و سیاق کاملاً تازه و بدیعی که شعر نو نام دارد.

زایش و سرایش شعر، یک امر طبیعی ست. کسی که ذاتاً شاعر باشد، خیلی زود شاعر بودن خودش را کشف می‌کند. گاهی بی‌اختیار و بدون سبق تصمیم، الفاظی به ذهنش می‌رسد و آن‌ها را زمزمه می‌کند و ناگاه متوجه می‌شود که اولین سطور شعرش بی‌اراده‌ی او بر زبانش می‌آیند. این است که افلاطون اولین مصرع هر شعر را الهام الهه‌ی شعر می‌دانسته است.

غلام حسین جمعی، صادقانه در پیشگفتار خود نوشته است که سروده‌های شاعر برای او چون فرزندان عزیزند. حق نیز همین است. من نیز به سهم خویش شعرهای لطیف این شاعر را عزیز می‌دارم و به سراینده‌ی آن تبریک و تهنیت می‌گویم. اما داوری زیباشناختی ما، نمی‌تواند جهان‌شمول باشد؛ محاسن قوم عند قوم معایب. بله، سنت‌گرایانی هستند که از خواندن شعرهای نسل حاضر در مقایسه با شعر اصیل فارسی، لذت کافی نمی‌برند. اما حق در این موضوع به جانب ذائقه‌های قدمایی نیست. به این معنی که اگر بعضی از اذهان، خوش ندارند که واژه‌هایی همانند اتوبوس، تاکسی، تلفن، بانک، کارمند، ماشین در شعر بیایند، باید بدانند که واژگانی مانند باره، اسب و مرکب در شعر کهن هم در روزگار قدیم، واژگان روزمره و مبتلابه همه روزه‌ی نیاکان ما بوده است. یعنی آثاری که چه از جهت تعبیر و اصطلاح و چه از جهت موضوع و مصداق اکنون در نظر ما کلاسیک و اصیل می‌نماید، در مقطع زمانی و مکانی خودش، عادی و روزمره بوده است.

شعر غلام حسین جمعی بهترین بیانگر همین احوال است. این شاعر عزیز در زندگی‌نامه‌ی منظوم خود در صفحات ۲۸ تا ۳۲ همین دفتر، طنزوار بیان

می‌کند: «طبیعت‌خوانی و کنگاش در تاریخ / نمی‌زد آن چنان چنگی به دل! میلیم ریاضی بود!» شاید، کلاسیک‌گویان، این تعبیرها را نشانه‌ی روزمرگی بشمارند اما، گوینده‌ی این شعر، ذاتاً شاعر است، هرچند از جهت شغلی مهندس برق شده است. شاید به دلیل همین تلفیق است که بعضی شعرهای این شاعر، خواننده را مثل برق می‌گیرد. شاعر این دفتر، بیانی صمیمی و صادقانه و شفاف و در عین حال رندانه و طناز دارد. ذوق و طبع شعرش سرشار است و به شعر و ادب و هنر، عشق می‌ورزد. کار ادبی‌اش جدی است، چه طنز و چه جد.

در عالم شعر و شاعری، هر کدام از شاعران، هویتی و هر شعر مزیتی دارند که مخصوص به خودشان است. خاصیت شعر، بیان شورانگیز و مفهوم‌تخیلی آن است. هم‌چنان که هر گلی، بویی دارد، هر شعری و هر شاعری هم جای و جایگاه خود را دارد. شعر هنر ملی ایرانیان است و فرهنگ ما با شعر گره خورده است. انقلاب مشروطیت، شعر را از مداخل درباری نجات داد و به جای تملق‌گویی‌ها و مدآحی‌ها، آن را به اسلحه‌یی در جهت بازگویی احساسات مردم تبدیل کرد. شعر فارسی از مشروطیت به بعد با مردم، پیوندی ناگسستنی یافت. غلام‌حسین جمعی شاعر در این کتاب، احساسات و ذهنیات خود را از محیط زندگی امروزمین با صداقت بازتاب داده و با زبان ویژه‌ی خویش که از چاشنی طنز و ظرافت هم بهره‌مند است به خوانندگان منتقل می‌کند. برای او در همه‌ی زمینه‌ها مخصوصاً در عرصه‌ی شعر و هنر، توفیق‌های بیشتر آرزو می‌کنم.

سیدحسن امین

تهران - ۷ تیر ۱۳۸۸